نگاهی به انیمیشن امریکایی «زوتوپیا»

آرمان شهر «زوتوپیا» تصویری دروغین از حقوق شهروندی امریکایی

■ صابرالله دادیان

انیمیشن سینمایی «زوتوپیا» محصول ۲۰۱۶ شرکت دیزنی است. ماجرای این انیمیشن به یکی از کهن الگوهای سینمای امریکا برمی‌گردد که استراتژی هجرت یهود و به وجود آمدن رژیم صهیونیستی را نیز تبیین می‌کند.

زوتوپیا همان آرمان شهری است که امریکا از ابتدای شکل‌گیری‌اش سعی داشته تصویری ایده‌آلیستی از آن به دنیا ارائه دهد و آرمان شهرخواهی یا «utopianism» از ابتدا جزو استراتژی‌های سیاستمداران امریکایی به حساب می‌آمده که در سینمای سلطه نیز از کهن الگوهای اصلی به شمار می‌رود تا تصویری جهانی از آن به دنیا صادر کند.

در زوتوپیایی که دیزنی با جامعه‌ای از حیوانات ناطق و هوشمند ارائه کرده است نه تنها طرح آرمان شهر امریکایی و رؤیای امریکایی تبیین شده است، بلکه با نظری بر نظام داروینیستی و رشد و بقای برترین‌ها سعی کرده تا در تثبیت این ایدئولوژی مطرود و ابتر قدمی دیگر بردارد. بچه خرگوشی که در خانواده‌ای ساده و کشاورز به دنیا آمده، بر خلاف شغل اجدادی‌شان که هویج کاری در مزرعه است، می‌خواهد افسر پلیس شود. بر همین اساس تصمیم می‌گیرد برای محقق کردن آرزوی کودکی‌اش به زوتوپیا برود؛ شهری که شعار آن «هر کس هرچه بخواهد می‌شود» است و هر رؤیا برای هر حیوانی فارغ از توان و جثه‌اش در این شهر ممکن خواهد بود.

خرگوش که به دلیل جثه کوچکش مورد توجه افسر مافوق قرار نمی‌گیرد، سرانجام موقعیتی می‌یابد تا توانایی و استعداد خود را به او و همکارانش ثابت کند. او با یک روباه دوره‌گرد و فریبکار آشنا می‌شود و به واسطه داشتن موردی از تخلفات مالی روباه در جرایم مالیاتی، می‌تواند او را به کار گیرد تا در راه پیدا کردن یک سمور گمشده یاری‌اش دهد.

در این راه خرگوش به سرنخ‌هایی می‌رسد که متوجه می‌شود ریشه گم‌شدن حیوانات شهر به شهردار می‌رسد، شهردار که یک شیر است از ترس اینکه حیوانات گمشده که به دلیلی نامعلوم خوی وحشی پیدا کرده و درنده شده‌اند شهر را به‌هم نریزند، آنها را در محوطه‌ای کنترل شده اسیر کرده است. خرگوش و روباه با رسانه‌ای کردن جرم شهردار و علنی کردن دست داشتنش در ماجرا می‌توانند او را بازداشت کنند، اما خرگوش که نمی‌تواند به آن چیزی که می‌خواسته برسد و به جای صلح و آرامش ناامنی را در زوتوپیا پراکنده کرده است ناامید و افسرده نشان پلیس خود را تحویل مافوق می‌دهد. خرگوش که از بچگی و در پی درگیری کودکانه با یک بچه روباه، همیشه ترسی درونی از درندگان به خصوص روباه با خود همراه داشته است، نمی‌تواند ترس خود را از روباه پنهان کند. همین امر موجب می‌شود روباه که به تازگی احساس کرده دوستی پیدا کرده است از او مکدر شده و رهایش کند. خرگوش افسرده شده و به آغوش خانواده و مزرعه هویج بازمی‌گردد.

در آنجا در پی کشف و شهودی متوجه می‌شود خوی وحشی حیوانات شکارچی به واسطه استفاده از یک گیاه وحشی است که خوی وحشی را در همه حیوانات و نه تنها شکارچیان زنده و بیدار می‌کند. او به زوتوپیا بازگشته و با پیدا کردن روباه او را برای پیگیری پرونده و رسیدن به مقصران اصلی تشویق می‌کند.

فیلم سرتاسر پر شده از المان‌های سیاسی و انگاره‌های فرامتنی که به نمادهای حیوانی برخی از کشورها اشاره دارد. همچنین نقش کاراکترها در فیلم و کارکردهای استراتژیکشان در فیلمنامه همه اشاراتی سیاسی در پس نمادگرایی و پس زمینه تاریخی و فرهنگی کشورهای آنگلاساکسون دارد، تا سعی کند از طریق القای ناخودآگاه «زوتوپیا» را به عنوان کشوری آزاد همچون امریکا تصویر کند که در آن حقوق شهروندان و مردم به طور مساوی و کاملاً عادلانه محقق می‌شود و از تبعیض نژاد و اعمال قدرت در آن خبری نیست. اما برای باورپذیری این ادعا فیلمساز و گروه نویسنده تدابیری اتخاذ کرده‌اند تا ذهن کنجکاو و پویشگر مخاطب را با خود تا انتهای فیلم همراه کنند، امری که در نهایت با تبرعه شدن شهردار که یک شیر است و متهم شدن بره منشی‌اش که بعد از او شهردار شده است به همان استراتژی و کهن الگوی امریکایی می‌رسیم که در آن نقش قهرمان به عنوان افشا کننده و حل‌کننده راز و معمای فیلم بسیار برجسته است.

اما در کنار همه مباحث استراتژیک و طراحی‌های مغرضانه و جهت‌دار سیاسی در این انیمیشن باید گفت فیلمنامه به شدت از ضعف ساختاری رنج می‌برد. به خصوص در نیمه دوم فیلمنامه که به دلیل پایان زودرس در اواسط فیلم، کشش داستان از تکاپو افتاده و قهرمان نیز کارکردش را از دست می‌دهد. پس از دستگیری شهردار به عنوان کسی که عامل گم‌شدن حیوانات شکارچی است و بازگشت خرگوش به مزرعه، فیلمنامه در واقع پایان می‌یابد، با این تفاوت که هنوز بزرگ‌ترین جواب فیلم داده نشده است. این در حالی است که بیننده هیچ احساس نیازی به شنیدن پاسخ یا دنبال کردن فیلم ندارد، چراکه هنوز مهم‌ترین سؤال فیلم هم مطرح نشده است تا بیننده به دنبال پاسخ، آن فیلم را دنبال کند.

در واقع فیلمنامه زوتوپیا از ضعیف‌ترین فیلمنامه‌های اخیر شرکت‌های بزرگ انیمیشن‌سازی هالیوود به خصوص دیزنی و پیکسار است که برخلاف دستاوردهای بزرگ صنعت انیمیشن و تکنولوژی‌های متحرک‌سازی و مدلینگ، نتوانسته است استراتژی تبیین شده در اتاق فکرهای دیزنی و هالیوود را در فیلم به صورت تأثیرگذاری نمایان سازد و در برخی سکانس‌ها به شدت شعاری و گل درشت از کار درآمده و کارکردی مخالف آنچه باید پیدا کرده است.

در پایان باید گفت نباید از این نکته غافل ماند که زوتوپیا در نوع خود نقطه عطفی مهم در تاریخ انیمیشن‌سازی سه بعدی و نیز شرکت دیزنی است، چراکه تکنولوژی فوق پیشرفته نرم افزارهای انیمیشن‌سازی در این فیلم با رشد قابل وصفی نسبت به آخرین تولیدات این شرکت افزایش یافته‌اند و می‌توان انتظار داشت که انیمیشن با سرعتی بسیار زیاد بتواند قله‌های دست نیافتنی صنعت سینما و تکنولوژی فیلم را از لحاظ وسعت سلایق بصری گسترش داده و به جذابیت‌های بصری سینما بیفزاید. اما در همین روند رو به رشد تکنولوژی، شاهد فقر ایده‌پردازی، عدم خلاقیت در داستانگویی و نبود حرف‌های جدید در حوزه انیمیشن غرب هستیم که می‌تواند تا میزان قابل توجهی از مخاطبان این صنعت نوظهور سینما در جهان بکاهد.

«دختران آفتاب» به چاپ بیستم رسید

کتاب «دختران آفتاب» نوشته امیرحسین بانکی، محمد دانشگر و محمدرضا رضایتمندی توسط انتشارات سروش به چاپ بیستم رسید.

کتاب «دختران آفتاب» نوشته امیرحسین بانکی، محمد دانشگر و محمدرضا رضایتمندی به تازگی توسط انتشارات سروش به چاپ بیستم رسیده است. «دختران آفتاب» خواسته است زن، منزلت، شخصیت و هویت او را بشناساند؛ به خودش، به مَردَش، به جامعه‌اش و به تاریخ گذشته و سرنوشت آینده‌اش؛ همان گونه که هست و همان گونه که باید باشد و همین گونه است که او را از طفیلی مرد بودن می‌رهاند و نشان می‌دهد که در عین زن بودن هیچ از مراتب و کمالات انسانی کم ندارد. همسفران «دختران آفتاب» به سرمنزل تفکری می‌رسند که انسان را می‌بیند و اعتبار می‌بخشد؛ خواه زن باشد خواه مرد. تفکری که حجاب و غبار شبهه‌ها، تلالو انوار بی‌بدیلش را کورسویی خواسته است و چون این غبار، برای همسفران دختران آفتاب فرو می‌نشیند؛ تلالو آن انوار، آنها را به خانواده و اجتماع می‌برد. شرافت مادری را در خانواده‌ای که پایه و اساس انسان‌سازی است به آنها یادآوری می‌کند، نقش‌های اجتماعی و لوازم آن چون روابط زن و مرد، پوشش و حجاب، حیا و غیرت را توضیح می‌دهد. چاپ بیستم این کتاب، با ۴۸۰ صفحه، شمارگان ۲ هزار نسخه و قیمت ۲۵۰ هزار ریال منتشر شده است.

به بهانه ارائه فیلم «کمپ ایکس ری» به شبکه نمایش خانگی

مسلمانی که با کتاب‌های هری پاتر متحول می‌شود!

■ جواد محرمی

«کمپ ایکس‌ری» فیلمی است به کارگردانی پیتر ستلر محصول سال ۲۰۱۴ کشور ایالات متحده امریکا با بازی کریستین استوارت، پیمان معادی و جان کرول لینچ.

فیلم با صحنه‌هایی از وقایع یازدهم سپتامبر در مرکز تجارت جهانی نیویورک آغاز می‌شود و پس از صحنه بازداشت «علی» (با بازی پیمان معادی) در آلمان، به هشت سال بعد و زمان ورود نگهبان تازه‌ای به نام «ایمی کول» (کریستن استوارت) به بازداشتگاه گوانتانامو می‌رسد. ایمی که برای فرار از زادگاه کوچکش به ارتش پیوسته با دوستی‌ای که بین او و علی به وجود می‌آید، به تدریج حالت دفاعی‌اش فرو می‌ریزد و نوری از مهر و امید در درونش روشن می‌شود.

کمپ ایکس‌ری را باید در خوش بینانه‌ترین حالت فیلمی ساده‌لوحانه درباره اسارت مسلمانان در گوانتانامو دانست اما با کمی واقع بینی، مفاهیم نخ نمای سال‌های اخیر هالیوود درباره مسلمانان از زیر لایه‌های دراماتیک فیلم خود را نشان می‌دهد. فیلمساز حتی به خود زحمت این را نداده تا درباره شخصیت مسلمانانی که از اقصی نقاط خاورمیانه به خصوص از افغانستان به گوانتانامو منتقل شده‌اند تحقیق کند. معنای این حرف این است که پیترستلر از اساس امکان حضور در این زندان برای پژوهش را پیدا نکرده و از اطلاعات دست دوم برای نوشتن فیلمنامه استفاده کرده است.

فقط یک کارگردان فیلم اولی و البته جویای نام می‌تواند برای قلب واقعیت گزارشی تا این حد احمقانه از یکی از مخوف‌ترین زندان‌های نظامی جهان به خورد مخاطب خود بدهد. مسلمانان به اسارت درآمده در فیلم کمپ ایکس ری مشتی حیوان وحشی و رام نشدنی به تصویر درآمده‌اند که زندانبانان برای رام کردن آنها متوسل به ارائه کتاب می‌شوند و همین کتاب خواندن‌ها است که یکی از آنها را (با بازی پیمان معادی) رام کرده و سر راه می‌آورد. علی، مسلمانی تونسی‌الاصل است که در صحنه ابتدایی از فیلم در حال نماز خواندن در محیطی عقب مانده به نمایش در می‌آید. مردانی مسلح علی را می‌ربایند و ما او را تا انتهای فیلم در محیط شبه مدرن زندان مشاهده می‌کنیم. رفتار علی در زمان دستگیری و نیز مقطع ابتدایی حضور او در زندان که مدام در حال مطالعه قرآن است متوحشانه و ناسازگار با محیط پیرامونی است اما به مرور که او به لطف زندانبان به خواندن کتاب هری پاتر معتاد می‌شود رفتارهای انسانی و متمدنانه‌تری از خود بروز می‌دهد.

فیلمساز نیاز ندیده تا در شخصیت‌پردازی هیچ مرزی میان زندانی مسلمان با زندانیان جرائم سنگین اجتماعی کشوری چون امریکا ایجاد کند. کاراکتر زندانی مسلمان گوانتانامو کاملاً منطبق با خطرناک‌ترین زندانیانی است که در سایر آثار امریکایی دیده‌ایم. دیوانه‌های زنجیری که نمونه آن را بی‌تردید در میان اسرای گوانتانامو نمی‌توان یافت. البته جنایت‌های اخیر گروه دست ساخته‌ای چون داعش تا حدی می‌تواند به جا انداختن دیدگاه فیلم کمپ ایکس‌ری کمک کند ولی واقعیت این است که داعش را باید به عنوان دست‌آموزترین محصول غرب منفک از گروه‌هایی چون القاعده یا طالبان مورد بررسی قرار داد. گروهی که بی‌شک به لحاظ تشکیلات و بدنه تفاوت‌های جدی با القاعده دارد. فیلمبرداری و تدوین حرفه‌ای از صحنه آتش زدن خلبان اردنی در قفس و پخش آن در اینترنت، تفاوت تشکیلاتی و ماهوی داعش با گروه‌هایی چون القاعده و طالبان را تا حدودی روشن کرد.

رابطه گرم و دوستانه میان علی و ایمی کول موازی با تحول درونی علی به واسطه مطالعه کتاب‌های هری پاتر تقویت می‌شود. در واقع آنچه موجب نزدیکی افکار و قلوب دو فرد غیر هم زبان و از دو ملیت مختلف که علی‌الظاهر با هم دشمن‌اند می‌شود کمرنگ شدن اعتقادات مذهبی است.

فیلم در القای این پیام که گوانتانامو برای زندانیان شرایط مناسب‌تری نسبت به محل زندگی پیشین آنها ایجاد کرده سنگ تمام می‌گذارد. نکته دیگری که فیلم بر آن تأکید دارد الهامبخش بودن قرآن به عنوان منبع تفکرات تروریستی و خشونت‌طلبانه است. علی مسلمان متعصبی است که در شک نسبت به عقایدش به سر می‌برد و با مطالعه کتاب هری پاتر به فهم تازه‌ای از جهان می‌رسد. فیلم برای القای این پیام که دنیای جدید و متعادل علی بدون حضور در گوانتانامو امکانپذیر نیست و به نوعی برای غسل تعمید اقدامات امریکا در زندانی کردن شهروندان کشورهای دیگر در مکان‌هایی چون گوانتانامو ساخته شده است.

در دیدار مسئولان جشنواره فیلم مقاومت با مشاور مقام معظم رهبری چه گذشت؟

ولایتی: می‌توانیم مجمع فیلمسازان بیداری اسلامی داشته باشیم

مسئولان حوزه سینمای مقاومت و اعضای ستاد برگزاری چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت با دکتر علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل و رئیس مجمع جهانی بیداری اسلامی دیدار کردند.

در این دیدار که با حضور و همراهی محمدحسین نیرومند، مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس و محمد خزاعی، دبیر جشنواره برگزار شد مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل با اشاره به جایگاه و اهمیت موضوع مقاومت و کارکردهای جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت گفت: از کلمه مقاومت برداشت‌های متفاوتی می‌توان داشت. بنده به عنوان کسی که در حوزه سیاست خارجه و امور بین‌الملل و مسائل منطقه‌ای و جهانی کار می‌کنم مقاومت را همین خطی می‌دانم که از ایران شروع می‌شود و به عراق ادامه پیدا می‌کند و متصل می‌شود به فلسطین و اصلاً جنگی که به سرکردگی امریکا و صهیونیست‌ها و با کمک دولت‌های وابسته منطقه در جریان است مقابله با همین خط مقاومت است. اینها مخصوصاً آمدند نقطه‌ای را برای سرکوب جریان مقاومت انتخاب کردند که احساس کردند ضعیف‌ترین حلقه است یعنی سوریه ولی اشتباه کردند.

وی ادامه داد: سوریه یک محل تقاطع گروه‌های مختلف مقاومت است که همه را سامان می‌دهد به سمت سرزمین اشغالی. آنها خوب فهمیدند کجا را بزنند ولی بد فهمیدند، چراکه مردم سوریه مقاوم هستند. فکر می‌کردند ضعیف‌ترین حلقه مقاومت است. یعنی ایران، عراق، حزب‌الله، فلسطین و سوریه. ولی مردم سوریه نشان دادند توانش را دارند که پنج سال در برابر یک جنگ بین‌المللی مقاومت کنند.

دکتر ولایتی با اشاره به گسترش و تغییر راهبردی عنوان جشنواره فیلم دفاع مقدس به جشنواره مقاومت یادآور شد: دفاع مقدس خودش بخشی از جریان مقاومت بود. یعنی تلاش کردند تا ایران را به عنوان سرمنشأ حرکت مقاومت در برابر استعمار، ظلم و استعمار جدید با محوریت جهانی امریکا و محوریت منطقه‌ای اسرائیل قرار دهند و با تحریک صدام حسین و حزب بعث عراق، ایران را هدف قرار دهند و می‌خواستند که انقلاب ایران را شکست بدهند یا زمینگیرش کنند یا محدود در مرزهای خودش نمایند که نشد و برعکس شد. حکومت مهاجم از بین رفت. آنها سپس، هم به افغانستان و هم به عراق و هم به لبنان و غزه حمله کردند تا حلقه‌های مقاومت را بشکنند ولی خوشبختانه موفق نشدند. دکتر ولایتی با اشاره به پیشنهاد جشنواره فیلم مقاومت برای ایجاد تشکلی منسجم و هدفمند در راستای شناسایی استعدادهای حوزه سینمای مقاومت در منطقه و جهان خاطرنشان کرد: ما مجمعی از شعرا در بیداری اسلامی داریم و با صحبت‌هایی که مطرح شده الان هم می‌توانیم مجمع فیلمسازان بیداری اسلامی داشته باشیم. وی افزود: به نظرم این ایده همچنان معتبر است و شاید این همفکری و همکاری ما به اینجا منجر شود که این مجمع و تشکل مشترک راه‌اندازی گردد. وی اظهار داشت: لازم است جلسه مشترکی با شورای عالی بیداری اسلامی در تهران داشته باشیم و افراد فعال در این حوزه شناسایی شوند و یک تعداد محدود ولی برجسته‌ای از هنرمندان و سینماگران برای عضویت در این تشکل دعوت شوند.

وی ادامه داد: بسیاری از فیلمسازان مستقل و ضداستعماری در منطقه و در دنیا در آسیا، در آفریقا و در امریکای لاتین هستند که فعالند ولی در فستیوال‌های جهانی و غربی جایگاهی ندارند و مورد توجه نیستند. در این مسیر جشنواره مقاومت می‌تواند به پایگاه و تکیه‌گاه این نوع تفکر مستقل و ضداستعماری تبدیل شود.

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل تأکید کرد: ما اگر پنجره را باز نکنیم آنها پنجره را باز می‌کنند مثل جشنواره‌های بین‌المللی که سعی می‌کنند اول فیلمسازان ما را جذب کنند و سپس شاخص‌ها و استانداردهای خودشان را تحمیل نمایند.

وی اضافه کرد: آنها می‌آیند از طریق فستیوال‌ها، ارزش‌های خودشان را به هنرمندان کشورهای اسلامی تحمیل می‌کنند و از طریق جذب هنرمندان ما آنها را بدل به تریبون خودشان می‌کنند اگرچه در خصوص هنرمندان آگاه و متعهد به هویت‌های ملی و دینی این اتفاق نمی‌افتد یا به سختی می‌افتد.

ولایتی خاطرنشان ساخت: شک نکنید باید از پیله خودمان بیرون بیاییم. از پیله‌های منطقه‌ای و ملی. باید با هوشیاری و با حفظ هویت‌های ملی- دینی و اعتقادی همواره درصدد ایجاد ارتباط با دنیا باشیم. باید سرهایمان را از پنجره بیرون بیاوریم تا ببینیم در دنیا چه خبر است. در این نشست محمدحسین نیرومند، مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس در خصوص لزوم حمایت از فیلمسازان انقلابی و مستعد منطقه سخنان کوتاهی ارائه داد.

وی گفت: امسال فیلمی با موضوع شهید محمدباقر صدر و با عنوان الشهید از یکی از فیلمسازان عراق در جشنواره بین‌الملل فجر به نمایش در آمد. ما از سوی انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس از وی دعوت کردیم. این فیلم از نگاه بنده که رصد کامل سینمای ایران را دارم شاید انقلابی‌ترین فیلم درباره تاریخ جریانات انقلابی است. هرچند کارش ناپخته بود ولی موضوع و نگاهش ویژه بود.

مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس خطاب به مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل عنوان کرد: تقاضای بنده از جنابعالی به دلیل اشراف در حوزه‌های بین‌الملل این است برای تقویت ظرفیت‌های فیلمسازی در کشور عراق و دیگر کشورهای منطقه، کمک کنید؛ کاری که به تنهایی از بسیج ساخته نیست و حتی شاید صلاح نباشد تنهایی در این حوزه ورود کند.

سپس، محمد خزاعی، دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت به ارائه گزارشی از روند فعالیت‌های این دوره جشنواره و جایگاه این رویداد سینمایی در جریان‌سازی فرهنگی در منطقه پرداخت. وی با تشریح بخش‌های مختلف جشنواره از استقبال ۱۰۲ کشور جهان از این دوره خبر داد و گفت: جشنواره فیلم مقاومت با راهبردهای مؤثر در سال‌های اخیر به مکانی معتبر برای سینماگران و هنرمندان منطقه و حتی فیلمسازان مستقل ضدسلطه در جهان بدل شده است. دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت ایجاد این کمپین را در واقع حرکتی در جهت نفوذ فرهنگ انقلابی به دنیا و نوعی مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن عنوان کرد و معتقد است از طریق جذب و مشارکت جوانان و علاقه‌مندان در این بستر، می‌توان موج بین‌المللی را شکل داد.

وی تصریح کرد: در این زمینه جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت به کمک جنابعالی و مجمع جهانی بیداری اسلامی نیاز دارد. همچنین برای دعوت از چهره‌های مقاومت، فیلمسازان انقلابی و مستندسازان مستقل منطقه و دنیا هم به حمایت‌های جدی‌تر مجمع بدایر اسلامی نیاز داریم. ظرفیت‌های بسیار خوبی در جشنواره کشف و شناسایی شده و می‌توان با تعامل و مشارکت این ظرفیت را چند برابر ساخت. خزاعی با بیان اینکه معتقدم جشنواره مقاومت در بین فیلمسازان معتبر منطقه جایش را باز کرده، گفت: جشنواره مقاومت، ۴۷ هفته فیلم فرهنگی و سینمای مقاومت برگزار کرد. به‌رغم اینکه خیلی‌ها می‌گفتند از این حرکت استقبال نمی‌شود با همراهی و استقبال خوبی روبه‌رو شدیم.

نگاه

حقیقت داعش آشکار است اما سوءمدیریت فرهنگی ما آشکارتر

■ معصومه طاهری

به نیس یکی از شهرهای فرانسه حمله شد اما این حمله به نسبت حملات قبل تفاوت‌های آشکاری دارد. حمله تروریستی نیس که توسط یک جوان ۳۱ ساله تونسی صورت گرفته است درمقایسه با حملات دیگر داعش البته کمی مشکوک‌تر است. هنوز اخبار این حمله منتشر نشده عربستان هجمه وسیعی را برای مقصر نشان دادن ایران آغاز می‌کند از هشتک‌گذاری درتوییتر (در اقدامی هماهنگ ایران را عامل عملیات تروریستی فرانسه معرفی کردند) در فضای مجازی گرفته تا پخش اینفوگرافی و گزارش و شایعات مختلف درباره حضور ایران در پشت پرده عملیات تروریستی نیس و یک سایت عربستانی درهمین زمینه اینفوگرافی از فعالیت‌های تروریستی ایران در پاریس تهیه و منتشر کرده است. اینها شوخی نیست که ساده ازکنار آن بگذریم. عربستان مدت‌هاست با ایران وارد جنگ نرم و رسانه‌ای شده است. ولیعهد جوان و متمول عربستان چندی قبل با مدیران شرکت‌هایی همچون فیس بوک ملاقات داشته است تا علاوه بر شبکه‌های ماهواره و سایت‌ها، فضای مجازی را هم در این امور با خود همراه کند. دلارهای وهابیون سعودی برای تخریب چهره ایران به اشکال مختلف درجریان است، دراین میان ما چه کرده‌ایم؟! شیعیان حتی یک مسجد در فرانسه ندارند تا بتوانند صدای خود را از طرف آن به جامعه جهانی برسانند. به گفته پروفسور بونو در گفت‌وگویی که با ما داشت تاکنون از کارشناسان شیعی در رادیو و تلویزیون‌های فرانسه استفاده نشده است و دلیل آن نیز ریاست یک صهیونیست بر شورای رادیو و تلویزیون فرانسه است. بونو در این گفت‌وگو همچنین به فعالیت وسیع و گسترده وهابیت و آل‌سعود بر نسل دوم مهاجران فرانسوی اشاره می‌کند و عدم فعالیت شیعیان دراین عرصه را بسیار مشهود می‌داند. ظاهراً باید این حقیقت تلخ را بپذیریم که در عرصه جنگ نرم همانقدر که عربستان با جدیت ورود پیدا کرده و با کمک حامیان صهیونیست خود رسانه‌های رسمی و جهانی را قبضه نموده، ما حتی رسانه‌های غیر رسمی را نیز دست نخورده گذاشته‌ایم و در عمل فعالیت چندانی برای مقابله با این هجمه‌های رسانه‌های صورت نداده‌ایم مگر اینکه به صورت خودجوش اتفاقی بیفتد که آن هم معمولاً چندان حمایت نمی‌شود.

حالا چهارسال از حمله داعش به عراق و سوریه گذشته و پنج سال از آغاز اغتشاشات در سوریه و جنگ دراین کشور می‌گذرد. سؤال آن است در طول این سال‌ها چه کارهایی صورت گرفته و خروجی دستگاه‌های تبلیغی ما چه بوده است؟! چند مستند می‌شناسید که در چنین شرایطی می‌توان آن را به جامعه جهانی معرفی کرد تا با پشت پرده حملات تروریستی داعش به فرانسه و کشورهای دیگر آشنا شوند و اینچنین وهابیون جسور نشوند که سعی کنند چنین جنایت آشکاری را گستاخانه به ایران نسبت بدهند آن هم کشوری مثل ایران که خود ضربه خورده تروریست بوده است؟! منافقین ۱۷ هزار تن را در ایران ترور کردند آن هم به وحشیانه‌ترین شکل ممکن و حالا در فرانسه برای رپرتاژهای وسیع خبری مانور می‌گذارند و تجمع می‌کنند و بار دیگر ایران را تهدید به عملیات‌های تروریستی می‌کنند. بله ما همه حقیقت را می‌دانیم اما دنیا چطور؟! چقدر برای معرفی حقیقت به دنیا تلاش کرده‌ایم؟! چقدر درعرصه رسانه فعال بوده‌ایم؟! برخی مسئولان می‌گویند در جشنواره مدافعان حرم، ۱۵۰ اثر رونمایی شده است که می‌تواند تا حدودی این خلأ را پر کند. البته می‌دانیم که این آمار و ارقام هرچه باشند جدی نیست چه آنکه همیشه خروجی را ملاک می‌دانند نه کمیت ساخت‌ها را. اما سؤال جدی‌تر که باید از آقایان پرسید آن است که حالا این تولیدات کجا هستند؟! و چرا به نمایش در نمی‌آیند؟! چقدر از این تولیدات می‌توانند تأثیرات بین‌المللی برای جهان داشته باشند؟!

به نظرمی‌رسد سیاست چندانی در پی جنگ نرم ما با داعش عربستان و صهیونیست‌ها وجود ندارد همانگونه که گفته شد حتی از فضاهای غیررسمی در فضای مجازی هم استفاده چندانی نشده است. بیشتر منتظر موج‌های مردمی هستیم که گاه مسیر را اشتباه می‌پیماید. حجت‌الاسلام دکتر جهانگیری سهروردی که از مبلغان بین‌المللی است خاطره عجیبی دارد که باید مسئولان فرهنگی کشور به دقت به آن گوش دهند. او اخیراً به اندونزی سفر کرده؛ کشوری که مردمش علاقه زیادی به ایران و انقلاب اسلامی دارند اما می‌گوید در یکی از سخنرانی‌های تبلیغی با سؤال عجیبی مواجه شدم که بیانگر فضای فکری حاکم در بخشی از آن کشور است. یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد از او پرسیده بود چرا ایران از داعش دفاع می‌کند؟!

بله، حقیقت این است. در سایه سوءمدیریت‌های فرهنگی و منم منم کردن‌های مدیرانی که بیشتر موعظه بلد هستند تا مدیریت، حالا عربستان در حال وارونه جلوه دادن حقیقت و تغییر دیدگاه جهانیان نسبت به یک حقیقت آشکار است.